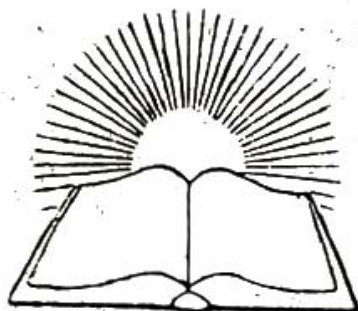


انسان در قرآن

محمد مؤمن قمی



قسمت چهارم

... اولین انسان از خاک آفریده شده است.

در شماره قبل، دومین مورد از آیات شریفه قرآن را که بر آفریده شدن

اولین انسان از خاک دلالت داشت، ذکر کردیم، و آن آیه شریفه:

إِنَّ قَتَلَ عِيسَى عِنْدَ اللَّهِ كَمَثَلِ آدَمَ خَلَقَهُ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ قَالَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ^۱

بود، و گفتیم این آیه بطور صریح دلالت دارد که مبدأ نزدیک آفرینش

آدم، خاک است و آدم بطرفی غیر معمول از خاک آفریده شده است.

اینک دنباله مطلب

تکمیل استدلال:

از مطالب گذشته روشن شد که آیه شریفه دلالت دارد که مبدأ

قریب آفرینش آدم، خاک بوده و او به طریق غیر عادی، از خاک آفریده

شده است ولی با توجه به اینکه هدف این مکتوب اثبات این است که

اولین انسان از خاک آفریده شده است (که از مجموع آیات قرآنی و

احادیث وارده بدست می آید) بنا بر این آیه مذکور به تنهایی برای ثابت

کردن مطلب مورد نظر کافی نیست بلکه وقتی دلالتش بر این مطلب تمام

می شود که ثابت شود آدم، اولین انسان است، که در این صورت آفریده

شدن آدم از خاک، همان آفریده شدن اولین انسان از خاک می باشد.

۱ - سوره آل عمران آیه ۵۹.



برای اثبات این مطلب و روشن شدن هرچه بیشتر آن، چند جهت را مورد دقت قرار می‌دهیم.

• الف - منظور از آدم در قرآن شریف شخص معینی است، یعنی کلمه انسان و بشر گرچه در مفهوم کلی که بر هرانسانی قابل انطباق است استعمال و به کار گرفته می‌شود و معنای آن شخص معینی نیست، اما کلمه آدم به معنای شخص معینی است و از قبیل اعلام شخصی می‌باشد.

اگرچه این سخن سخنی بدیهی است و احتیاج به استدلال ندارد، چون هرکس می‌داند که منظور از آدم - که در قرآن به کار رفته - انسان معینی است، اما در عین حال برای تأکید مطلب به ذکر چند مورد از آیات شریفه قرآن که به روشنی دلالت بر آن دارد به طور نمونه اشاره می‌کنیم:

□ ۱ - آیاتی که دلالت دارد، آدم دارای همسری بوده که به او و همسرش گفته شد وارد بهشت شوند و هر چه می‌خواهند از خوردنیهای آنجا استفاده کنند و...

این آیات در چندین مورد از قرآن کریم آمده است که ما یک مورد آن را ذکر می‌کنیم:

وَاِذَا اَدْمُ اسْتَكْنٰ اَنْتَ وَزَوْجُكَ الْجَنَّةَ فَكُلَا مِنْ حَيْثُ شِئْتُمَا وَلَا تَقْرَبَا هَذِهِ الشَّجَرَةَ فَتَكُونَا مِنَ الظَّالِمِيْنَ • فَوَسْوَسَ لَهُمَا الشَّيْطَانُ لِيُبْدِيَ لَهُمَا مَا وُورِيَ عَنْهُمَا مِنْ سَوَاتِيْهِمَا وَقَالَ مَا نَهَا كُمَا رَبُّكُمَا عَنْ هَذِهِ الشَّجَرَةِ اِلَّا اَنْ تَكُوْنَا مَلَكَتَيْنِ اَوْ تَكُوْنَا مِنَ الْخَالِدِيْنَ • وَقَسَمْتُ لَكُمْ اِنِّي لَكُمَا لَمِنَ التَّاصِيْحِيْنَ • فَدَلِيْهُمَا بِفُرُوْقَلْمَا ذَاقَا الشَّجَرَةَ بَدَتْ لَهُمَا سَوَاتِيْهُمَا وَطَفِقَا يَخْصِفَانِ عَلَيْنِهُمَا مِنْ وَرَقِ الْجَنَّةِ وَنَادِيَهُمَا رَبُّهُمَا اَلَمْ اَنْهَيْكُمْ عَنْ تِلْكَ الشَّجَرَةِ وَاَقُلْتُ لَكُمْ اِنَّ الشَّيْطَانَ لَكُمْ عَدُوٌّ مُّبِيْنٌ ۱

وای آدم تو و همسرت ساکن بهشت شوید و سپس از هر جا خواستید (خوردنی) بخورید و نزدیک این درخت (مخصوص) نشوید که جزء ستمگران خواهید بود پس (بعد از آنکه وارد بهشت شدند) شیطان هر دو آنها را وسوسه کرد تا زشتیهایشان را که از نظرشان پوشانده شده بود (برای آن دو) آشکار سازد و (به این صورت) وسوسه را آغاز کرد که گفت پروردگارتان شما را از این درخت منع نموده است مگر اینکه (در نتیجه خوردن از این درخت) از ملائکه شوید و آنکه به زندگی جاویدان می‌رسید و برای هر دو آنها سوگند یاد کرد که همانا من از خیر خواهان شما هستم پس هر دو آنها را به فریب خوردن و غفلت و داشت، و همین که از آن درخت چشیدند، زشتیهایشان آشکار شد و شروع کردند به نهادن برگهای بهشت بر خود، (و زشتیها را با برگ های بهشتی پوشاندند) و پروردگارتان آنها را صدا زد که مگر من شما را از این درخت نهی نکردم و به شما نگفتم که شیطان

۱ - سوره اعراف، آیه ۱۹ تا ۲۲.



نسبت به هردو شما، دشمنی آشکار است.

در این آیات خصوصیتی نسبت به آدم ذکر شده است که هریک از آنها از ویژگی اشخاص معین است نه معنای کلی. برای آدم همسری معرفی شده که به وی و همسرش دستور داده اند ساکن بهشت باشند و هر چه خواستند بخورند و هردو نفر داخل بهشت شده اند و سپس شیطان آنها را وسوسه کرده و آنها نیز فریب شیطان را خورده و از میوه درخت مخصوص تناول نمودند و در نتیجه زشتیهای بدنشان نمایان شده و بنا برگ های آنجا خود را پوشالیده و بعد از آن، مورد عقاب پروردگارشان قرار گرفتند.

هریک از این خصوصیات حکایت دارد که آدم شخص معینی بوده است که به چنین وضعیتی دچار گردیده است.

۲۵ - آیات شریفه تعلیم اسماء

وَعَلَّمَ آدَمَ الْأَسْمَاءَ كُلَّهَا ثُمَّ عَرَضَهُمْ عَلَى الْمَلَائِكَةِ... قَالَ يَا آدَمُ أَنْبِئْهُمْ بِأَسْمَائِهِمْ فَلَمَّا أَنْبَأَهُمْ بِأَسْمَائِهِمْ قَالَ: أَلَمْ أَقُلْ لَكُمْ إِنِّي أَعْلَمُ الْغَيْبَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَأَعْلَمُ مَا تُبْدُونَ وَمَا كُنْتُمْ تَكْتُمُونَ^۱.

و (خداوند) به آدم همه نامها را آموخت، سپس آنها را بر ملائکه عرضه داشت... (خداوند) گفت ای آدم ملائکه را به آن نامها خبر ده، پس همین که آدم به ملائکه نام آنان را خبر داد (خداوند به ملائکه) گفت: مگر من به شما نگفتم که من غیب آسمانها و زمین و آنچه را آشکار کنید و پنهان دارید می دانم.

در این آیات آموختن تمام نامها به آدم و دستور اینکه وی این نامها را به ملائکه خبر دهد و خبر دادن آدم به ملائکه، و بازگو کردن نامها توسط آدم برای ملائکه، ذکر شده است، و هریک از این خصوصیات از ویژگیهای شخص معین است چون آموختن، در مورد شخص خاص تصور دارد و دستور هم به شخص داده می شود و همچنین شخص است که از چیزی خبر می دهد.

۳۵ - آیه شریفه اضطفاء

إِنَّ اللَّهَ اضْطَفَىٰ آدَمَ وَنُوحًا وَآلَ إِبْرَاهِيمَ وَآلَ عِمْرَانَ عَلَى الْعَالَمِينَ^۲

همانا خداوند آدم و نوح و خاندان ابراهیم و خاندان عمران را بر همه عالمیان برگزیده است. در این آیه از آدم در کنار نوح و دو خاندان دیگر که اشخاص خارجی هستند، نام برده شده که آنها را خداوند از میان عالمیان برگزیده است، و این معنی حکایت از این دارد که آدم مانند نوح، شخص معینی است.

۱ - سوره بقره آیه ۳۱ و ۳۳.

۲ - سوره آل عمران، آیه ۳۳.



از این قبیل آیات در قرآن کریم بسیار زیاد است و همانگونه که گفتیم این جهت که مقصود از آدم، شخص معینی است از مطالب بدیهی قرآن است به سه مورد مذکور بنسند می‌کنیم.

• ب — این شخص معین از جنس انسان و بشر است.

این مطلب نیز بطور روشن و واضح از بسیاری از آیات شریفه قرآن استفاده می‌شود که به دو مورد آن اشاره می‌کنیم:

□ ۱ — خداوند بزرگ در موارد متعددی فرموده است که ما بشری را از یگل ساخته، به ملائکه گفتیم در مقابل او سجده کنند و جز ابلیس همگی سجده کردند و به دنبال آن، ابلیس جزء رانده شدگان دربار خدا گردید.

□ ۲ — و همچنین خداوند متعال در موارد متعددی فرموده است که ما آدم را از یگل ساخته و به ملائکه گفتیم برای او سجده کنند که غیر از ابلیس همگی سجده کردند و این تمرد موجب رانده شدن ابلیس از دربار خداوند گردید.

ضمیمه کردن این دو بخش از آیات به ما می‌فهماند که آن انسان و بشری که از یگل ساخته شده و ملائکه در مقابل او به سجده افتادند، همان آدم بوده است که چون ابلیس در مورد او از فرمانبرداری خدا تمرد کرد، از دربار حق تعالی رانده شد.

اما آیات بخش اول در موارد متعددی از قرآن آمده است و ما تنها دو مورد از آن را می‌آوریم:

مورد اول:

إِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي خَالِقٌ بَشَرًا مِّن طِينٍ • فَإِذَا سَوَّيْتَهُ وَنَفَخْتُ فِيهِ مِن رُّوحِي فَقَعُوا لَهُ سَاجِدِينَ • فَسَجَدَ الْمَلَائِكَةُ كُلُّهُمْ أَجْمَعُونَ • إِلَّا إِبْلِيسَ أَشْكَبَرًا • كَانَ مِنَ الْكَافِرِينَ • قَالَ يَا إِبْلِيسُ مَا مَنَعَكَ أَنْ تَسْجُدَ لِمَا خَلَقْتُ لِمَا خَلَقْتُ مِنْ نَارٍ وَخَلَقْتَهُ مِنْ طِينٍ • قَالَ مَا أَخْرَجَ مِنهَا فَأَتَيْتُكَ رَجِيمًا ...

هنگامی که پروردگارت به ملائکه گفت همانا من بشری را از یگل درست می‌کنم • پس وقتی آن را همگون نموده و در آن از روح خود دمیدم، شما برای او به حالت سجده فرار گیرید • پس ملائکه همگی سجده نمودند • به جز ابلیس که خود را بزرگ شمرد (وسجده نکرد) و از کافرن بود (خداوند) فرمود ای ابلیس چه

۱ — سوره ص، آیه ۷۱ تا ۷۷ و ...



مانعت شد که برای چیزی که با دودست خود آن را ساخته ام سجده کنی آیا خود را بزرگ شمردی (و بیجا تکبر کردی؟) و یا آنکه (واقعاً) از بلند مرتبگان بودی؟ (ابلیس) گفت: من بهتر از اویم (چون) مرا از آتش آفریدی و او را از گِل خلق کردی. (خداوند) فرمود: پس از این مرتبه، بیرون رو که همانا تو را نده شده‌ای...
مورد دوم:

وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ صَلْصَالٍ مِنْ حَمَإٍ مَسْنُونٍ وَالْجِبَّاءَ خَلْقْنَا مِنْ قَبْلُ مِنْ نَارِ السَّمُومِ وَأَذَقْنَا رُسُومًا لِمَلَائِكَ إِنِّي خَالِقٌ بَشَرًا مِنْ صَلْصَالٍ مِنْ حَمَإٍ مَسْنُونٍ فَإِذَا سَوَّيْتُهُ وَنَفَخْتُ فِيهِ مِنْ رُوحِي فَقُولُوا لَهُ سَاجِدِينَ فَسَجَدَ الْمَلَائِكَةُ كُلُّهُمْ أَجْتَمَعُونَ إِلَّا إِبْلِيسَ أَبَى أَنْ يَكُونَ مَعَ السَّاجِدِينَ قَالَ لَمْ أَكُنْ لَأَسْجُدَ لِشَيْءٍ خَلَقْتَهُ مِنْ صَلْصَالٍ مِنْ حَمَإٍ مَسْنُونٍ قَالَ فَأَخْرِجْ مِنْهَا فَإِنَّكَ رَجِيمٌ...^۱

و همانا به راستی ما انسان را از خشکیده گِل سیاه بدبوی تغییرپذیری آفریدیم و جنیان را پیش از او از آتش سوزان آفریدیم و هنگامی که پروردگارت به ملائکه گفت همانا من بشری را از خشکیده گِل سیاه بدبوی تغییرپذیری می‌آفرینم پس وقتی آن را همگون نموده و در آن از روح خود دمیدم شما برای او در حالت سجده قرار گیرید پس ملائکه همگی سجده کردند جز ابلیس که، خودداری کرد از اینکه با سجده کنندگان باشد (خداوند) فرمود: تو را چه می‌شود که از سجده کنندگان نیستی گفت من چنین نبوده‌ام که برای بشری که او را از خشکیده گِل سیاه بدبوی تغییرپذیری آفریده‌ای، سجده کنم پس خداوند فرمود، از این رتبه بیرون شو که همانا تو رانده شده هستی...
.....

در هریک از این دو دسته از آیات شریفه، همانگونه که ملاحظه می‌شود خداوند از آفرینش بشری که آن را از خشکیده گِل سیاه بدبوی تغییرپذیر آفریده، حکایت می‌کند که قبلاً آفرینش آن را به ملائکه خبر داد و فرمود پس از آنکه آن را همگون ساخته و روح در آن دمیدم در مقابل او به سجده بیفتید و پس از ساخته شدن و روح گرفتن، همه ملائکه به فرمان خداوند گردن نهادند، و سجده کردند، تنها ابلیس نافرمانی نمود و از سجده کردن خودداری کرد و چنین عذر آورد که ماده آفرینش آدم چیز پستی است که نمی‌بایست ابلیس برای او سجده کند، و به دنبال این استکبار از مرتبه‌ای که در آن بود بیرون شد و رانده درگاه خداوند قرار گرفت.



تفاوت این دو دسته از آیات در این است که در قسم دوم ابتدائاً، قضیه به صورت فشرده و کلی، آن هم با عنوان اینکه ما انسان را از چنین گلی آفریدیم ذکر شده، و بعد از آن این آفرینش انسان را به آفرینش یک فرد آن تطبیق نموده ولی در دسته اول، از همان ابتداء متعرض قضیه آفرینش فرد بشر شده است و روشن است که این تفاوت تعبیر به هیچ وجه، موجب تغییری در اصل قضیه نمی شود^۱.

به هر حال در این دو دسته آیات از آفرینش بشری سخن می گوید که فرمان سجده، در مقابل او صادر شده و خودداری ابلیس از سجده نمودن، او را رانده درگاه خداوند متعال ساخته است.

و اما آیات بخش دوم که این خصوصیات را در مورد شخص آدم یادآوری کرده باشد نیز بسیار است، و مانند آنها به ذکر یک مورد آن اکتفاء می کنیم:

ثُمَّ قُلْنَا لِمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ لَمْ يَكُنْ مِنَ السَّاجِدِينَ • قَالَ مَا مَنَعَكَ إِلَّا تَسْجُدَ إِذْ أَمَرْتُكَ قَالَ أَنَا خَيْرٌ مِنْهُ خَلَقْتَنِي مِنْ نَارٍ وَخَلَقْتَهُ مِنْ طِينٍ • قَالَ فَاهْبِطْ مِنْهَا فَمَا يَكُونُ لَكَ أَنْ تَتَكَبَّرَ فِيهَا فَاخْرُجْ إِنَّكَ مِنَ الصَّاغِرِينَ...^۲

پس از آن، به ملائکه گفتیم برای آدم سجده کنید پس سجده نمودند، مگر ابلیس که از سجده کندگان نبود (خداوند) فرمود چه مانع شد ترا که وقتی من فرمانت دادم سجده نکردی گفت من بهتر از اویم، مرا از آتش آفریدی و او را از گل • (خدا) فرمود بنابراین از این مرتبه، پائین رو، حق این که در این مرتبه خود را بزرگ شمرده و تکبر کنی، نداری پس بیرون رو که همانا توازی ارزشها هستی ...

در این آیات شریفه می بینیم همان مطلبی را که در آن دو دسته آیات نسبت به فردی از انسان و بشر آمده بود، نسبت به آدم آمده است که خداوند دستور داد ملائکه برای آدم سجده کنند و ملائکه سجده کردند، ولی ابلیس سجده نکرد و عذر خود را پست بودن

رساله جامع علوم انسانی

۱ - البته خود این مطلب که در آیات دسته دوم قضیه را ابتدا در مورد انسان به صورت کلی ذکر نموده، باعث می شود که بتوانیم به خود این آیات به تنهایی برای مسأله مورد بحث - یعنی آفرینش اولین انسان از خاک - استدلال نماییم، زیرا خلاصه مضمون آیات این است:

انسان به کیفیت غیر عادی - که در این آیات آمده است - از گل و خاک آفریده شده است. و بدین جهت در اول بحث گفتیم: ما این دو مورد را به عنوان نمونه از قرآن شریف ذکر می کنیم.

۲ - سوره اعراف آیه ۱۳ - ۱۱.



ماده آفرینش آدم ذکر کرد و این نافرمانی باعث رانده شدن او و پائین آمدنش از مرتبه والائی که در آن بود، گردید.

نتیجه این دوبخش

از انضمام این دوبخش از آیات به یکدیگر به طور روشن به دست می‌آید که در دوبخش، سخن از یک واقعه می‌باشد و خلاصه آن این است که خداوند اراده فرمود تا انسان را از گِل خشکیده‌ای بسازد و قبل از آفرینش او جریان را به ملائکه اطلاع داد و این فرموده، با ساختن یک فرد انسان که همان آدم است عملی شد.

بنابر این آن شخص که قرآن شریف از وی با کلمه آدم نام می‌برد، بشر است و انسان، همان انسانی است که از گِل خشکیده بوجود آمده و به ملائکه فرمان سجده کردن برای او داده شده و خودداری ابلیس از عمل برطبق این فرمان باعث رانده شدن وی گردیده است.

و هرگز احتمال نمی‌رود داستانی را که آیات بخش دوم بر آن حکایت دارد غیر از داستانی باشد که بخش اول از آن حکایت می‌کند، زیرا که رانده شدن ابلیس برای همیشه و بیرون شدنش از مرتبه قربی که در آن قرار داشت — که در هر دو بخش ذکر شده است — قابل تکرار نیست، یعنی همه آیات دلالت دارند که هنگام این تهمزد، ابلیس در مرتبه والائی قرار داشته است و به خاطر این تهمزد ارزش خود را از دست داده و جزه رانندگان محض مقدس ربوبی شده است و اگر این داستان یکی نباشد دیگر برای ابلیس در داستان دوم مرتبه والائی نخواهد بود تا بخاطر تهمزد، آن را از دست بدهد خصوصاً تقاضای اینکه خداوند به ابلیس تا روز رستاخیز مهلت دهد، در هر دو بخش (و هر سه دسته آیات) ذکر شده است و همچنین پس از اینکه مسأله مهلت داده شدن به او، ذکر شده است قضیه تهدید ابلیس که وی آدمیان را به گمراهی خواهد کشاند نیز در هر سه دسته از آیات به طور یکسان بیان شده است به هر حال برای هیچ کس که با اندک دقتی در آیات مذکور نظر کند شکی باقی نمی‌ماند که هر دو بخش و هر سه دسته آیات، از یک واقعه شخصی سخن می‌گویند و آن فرد از انسان و بشری که چهره مشخص این واقعه است، همان آدم می‌باشد. و در نتیجه شخصی که از او بالفظ آدم تعبیر می‌شود از مصادیق انسان و از افراد



بشر می باشد^۱.

ج - همه انسانها فرزند این شخص انسان (آدم) می باشند.

در قرآن شریف در موارد متعددی، انسانها با عنوان بنی آدم [پسران آدم] یاد شده اند و این تعبیر به روشنی دلالت دارد بر این که همه مردان و در نتیجه همه انسانها فرزندان آدم می باشند و ما باز به عنوان نمونه تنها یک مورد را ذکر می کنیم:

يَا بَنِي آدَمَ لَا يَفْتِنَنَّكُمُ الشَّيْطَانُ كَمَا أَخْرَجَ أَبَوَيْكُم مِّنَ الْجَنَّةِ يَنْزِعُ عَنْهُمَا لِيَاسَهُمَا لِيُرِيَهُمَا سَوَآتِهِمَا...^۲

ای پسران آدم! شیطان، شماها را گرفتار نماند، همانگونه که پدر و مادرتان را از بهشت بیرون کرد (با وسوسه و گول زدن آنها) لباسهایشان را از تن آنها در آورد تا زشتیهایشان را به آنها نشان دهد.

در این آیه شریفه که خطاب به انسانها است تمام مردم، اولاد آدم نامیده شده اند و پس از آن سخن از پدر و مادر همین بنی آدم به میان آمده که شیطان با وسوسه خود در بهشت، لباسشان را کند و زشتیهایشان آشکار گشت و از بهشت بیرون شدند.

وقتی این آیات کنار آیات دیگر در همین سوره که چند سطر قبل در همین سوره ذکر شده و ما نیز آن را در ذیل قسمت الف همین بحث آوردیم و در آن آیات خواندیم:

وَيَا آدَمُ اسْكُنْ أَثَمَ وَزَوْجَكَ الْجَنَّةَ... فَوَسْوَسَ لَهُمَا الشَّيْطَانُ لِيُبْدِيَ لَهُمَا مَا وُورِيَ عَنْهُمَا مِن سَوَآتِهِمَا...^۳

ای آدم تو و همسرت ساکن بهشت شوید... پس شیطان برای آن دو وسوسه کرد تا برای آن دو آنچه را از زشتیهایشان از نظرشان پنهان شده بود، آشکار سازد...

وخصوصاً آنکه در ذیل این آیات می فرماید:

قَالَ اهْبِطُوا بَعْضُكُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ وَلَكُمْ فِي الْأَرْضِ مُسْتَقَرٌّ وَمَتَاعٌ إِلَىٰ حِينٍ.^۴

(خداوند به آدم و همسرش) فرمود: (به سوی زمین) فرود آید، برای شما در زمین قرارگاه و همچنین تا مدت زمانی بهره ای است.

۱ - لازم به تذکر است که این سه دست آیات به طور نمونه ذکر شده و گرنه در قرآن شریف در موارد متعدد دیگری نیز از این داستان با تعبیرات مختلف ذکر شده است که همه حکایت از یک واقعه می کنند، و شاهد آن استفاده ای است که از این سه مورد نمودیم.

۲ - سوره اعراف، آیه ۲۷.

۳ - سوره اعراف، آیه ۲۴.



از مجموع اینها نتیجه می‌گیریم که: این پدر و مادر انسانها که در اثر وسوسه شیطان عریان شده زشتیهایشان نمایان گشته و از بهشت بیرونشان کردند، همان آدم و همسر او است که داستانشان بطور تفصیل در آیات سابق الذکر آمده است.

بنابر این، این آیه خصوصاً اگر کنار آیات سابق قرار گیرد به روشنی دلالت دارد که همه انسانها فرزندان آدم هستند و چون او و همسرش پدر و مادر همه انسانهاست پس او (آدم) پدر همه انسانها و ابوالبشر خواهد بود و با توجه به این مطلب بی‌پایگی سخنی که در بعضی نوشتجات آمده است که:

«آدم علیه السلام ابوالبشر نیست و بیان آنکه نوع انسان، از آدم پدید آمده است از نظر قرآن مبنا و اساسی ندارد، و به هیچ وجه درست نیست.» روشن می‌شود.

چگونه مبنا و اساسی بهتر از این است که قرآن همه انسانها را فرزندان آدم (پسران آدم) بنامد و آیا معنای اینکه انسانها فرزندان آدمند این نیست که آدم با اینکه مرد است و دارای همسر - پدر آنها است، و آیا وقتی قرآن، آدم و همسرش را پدر و مادر انسانها نامید، غیر از این چه معنایی دارد که آدم پدر همه انسانها و همسرش مادر همه انسانها است؟ مگر معنای اینکه آدم ابوالبشر است جز این است که آدم پدر انسانها است، و مگر معنای اینکه نوع انسان از آدم پدید آمده است غیر از این است که همه انسانها فرزندان آدمند و مگر آیه مذکور و آیه متشابه آن، غیر از این، معنا و مفهومی دارد و مگر... و مگر...

مگر اینکه گفته شود در قرآن فقط به مردان، پسران آدم، گفته شده و به زنان «دختران آدم» گفته نشده و همچنین آدم و همسرش پدر و مادر مردان به حساب آمده‌اند و ممکن است حساب زنان از مردان جدا باشد.

اما گمان نمی‌کنم این توهم نیز از ذهن کسی خطور کند زیرا مردان و زنان خواهر و برادر و از پدر و مادر خودشان زائیده می‌شوند و اگر فرزندی «مرد» پسر آدم، و آدم و همسرش پدر و مادر او بودند فرزندی که «زن» باشد او نیز دختر آدم و آدم و همسرش پدر و مادر او خواهند بود، و در نتیجه همه انسانها فرزندان آدم و آدم و همسرش، پدر و مادر تمام انسانها خواهند بود.

به عبارت دیگر: رابطه خاص نسبی پدر و مادر فرزند با انسان دیگر سبب می‌شود که این فرزند، فرزند آن انسان نیز به حساب آید و مرد بودن و زن بودن فرزند هیچگونه تأثیری در این جهت ندارد بلکه اگر این فرزند از جنس مرد باشد پسر آن انسان و اگر از



جنس زن باشد دختر آن انسان خواهد بود بنابراین وقتی به حکم قرآن شریف همه مردان پسران آدم باشند به ناچار همه زنان دختران آدم و همه انسانها فرزندان آدم خواهند بود.

• د - نتیجه بحث

از مطالب فوق معلوم شد آدم اولین انسانی می باشد که از این نوع موجود بشر آفریده شده است زیرا وقتی همه انسانها فرزندان او باشند پس او نیز که شخص انسانی است، انسانی است که در رأس مخروط این نوع موجود بشر قرار گرفته و چون او دیگر از پدر و مادر متولد نشده است بلکه از خاک آفریده شده است «خَلَقَهُ مِنْ تُرَابٍ، ثُمَّ قَالَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ» بنابراین آدم اولین انسانی است که به طریق غیر معمولی از خاک آفریده شده است.

البته چنانچه اشاره شد همان طور که آدم پدر افراد نوع انسان است، همسرش نیز مادر آنها است که قبل از او مادری برای بشر نبوده است و این احتمال داده می شود که هم آدم و هم همسرش هر دو به طریقی غیر عادی از خاک آفریده شده باشند و یا آنکه مادر (همسر آدم) از طریق دیگری خلق شده باشد، اما با توجه به آنچه در قرآن شریف ذکر شده است که همسر آدم از خود او ساخته شده است:

أَلَدَى خَلْقِكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَخَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا وَبَثَّ مِنْهُمَا رِجَالًا كَثِيرًا وَنِسَاءً. ۱

خداوندی که همه شما انسانها را از شخصی آفرید که تنها و تک بود و از خود او همسرش را آفرید، و پس از این دو، مردان زیاد و زنانی را (آفرید) منتشر نمود.

این مطلب که آدم اولین انسان است ثابت می شود. و وقتی آدم اولین انسان بود و آیه شریفه مورد بحث از سوره آل عمران:

إِنْ قَتَلَ عِيسَى عِنْدَ اللَّهِ كَمَنْ قَتَلَ آدَمَ خَلَقَهُ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ قَالَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ.

بطور صریح دلالت نمود که آدم به طریقی غیر عادی از خاک آفریده شده است بنابراین این ثابت می شود که: «اولین انسان از خاک آفریده شده است».

و ما به دو دلیل برای اثبات مطلب اکتفاء نموده و انشاء الله تعالی در بحث آینده متعرض اشکالاتی که در این قسمت شده است خواهیم شد.

ادامه دارد



۱ - سوره نساء، آیه ۱.